



The social meaning of flood

A qualitative study of flood victims in Bandar Imam Khomeini and Jarahee areas in Khuzestan province

Manuochehr Alinejad¹ | Mojtaba Farhani Fard²

1. Corresponding Author, social science faculty of yazd university; Email: m.alinejad@yazd.ac.ir

2. Graduated from Social Sciences Research, Yazd University; Email: mojtabafarhanifar@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 07-02- 2022 Received in revised form: 07-05-2023 Accepted: 23-09-2023 Published online: 11-11-2023 Keywords: Khuzestan, rejection, social issues, flood.	In this research, the social study of the meaning of flood and coping strategies among the flood victims of Khuzestan province (Bander Imam Khomeini and Jarahee areas) have been addressed. The method used in this research was Grounded Theory. The data for this research was collected through in-depth interviews and theoretical sampling of 20 people consisting of the flood victims and injured, and reached complete theoretical saturation. For data analysis, three stages of open coding, central coding and selective coding have been used. After the coding stage, 7 main categories and 1 core category were extracted from the data. The results of this research are presented in the form of a paradigm model and a theoretical schema. The results showed that the meaning of the flood among the flood victims is mainly created through factors such as neglect, feeling of rejection and reproduction of negative mentality towards the actions of the officials as well as synergy of the problems. Of course, it goes without saying that the flood victims also chose a "fragile combined strategy" against the flood. Finally, the theory of the research showed that the flood has led to the "spatial and identity displacement of the flood victims".

Cite this article: Alinejad, M.& Farahani Fard, M. (2023). The social meaning of flood

A qualitative study of flood victims in Bandar Imam Khomeini *Journal of Social Problems of Iran*, 14 (1),135-149.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

معنای اجتماعی سیل

(یک مطالعه کیفی از سیل زدگان مناطق بندر امام خمینی و جراحی در استان خوزستان)

منوچهر علی نژاد^۱ | مجتبی فرحانی فرد^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد؛ یزد، ایران. رایانامه: m.alinejad@yazd.ac.ir
۲. دانش آموخته پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه یزد؛ یزد، ایران. رایانامه: mojtabafarhanifar@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	در این پژوهش، به مطالعه اجتماعی معنای سیل و استراتژی‌های مواجهه با آن در بین سیل‌زدگان استان خوزستان (مناطق بندر امام خمینی و جراحی)، پرداخته شده است. روش استفاده شده در این پژوهش، نظریه داده بنیاد بوده است. داده‌های این تحقیق از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق و با نمونه‌گیری نظری از ۲۰ نفر از افراد که متشکل از آسیب‌دیدگان و سیل‌زدگان بوده‌اند، گردآوری شد و تا اشباع نظری کامل پیش رفت. برای تحلیل داده‌ها از سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی، استفاده شده است. پس از مرحله کدگذاری، ۷ مقوله اصلی و ۱ مقوله هسته از داده‌ها استخراج شد که نتایج این پژوهش، در قالب الگوی پارادایمی و طرح واره نظری ارائه شده است. نتایج نشان داد که معنای سیل در بین سیل‌زدگان به طور عمده از طریق عواملی همچون نادیده انگاری، احساس طرد شدگی و بازتولید ذهنیت منفی نسبت به عملکردهای مسئولان و همچنین هم افزایی مشکلات، بر ساخته می‌شود. البته ناگفته نماند که سیل‌زدگان در برابر سیل، «راهبرد ترکیبی شکننده» را هم بر گزیدند. در نهایت، نظریه پژوهش نشان داد که سیل منجر به «از جا کنده‌گی مکانی و هویتی سیل زدگان» شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰	
کلیدواژه‌ها:	
سیل، خوزستان، طرد شدگی، مسائل اجتماعی، بندر امام خمینی، جراحی..	

استناد: : علی نژاد، منوچهر و فرحانی فرد، مجتبی. (۱۴۰۲). معنای اجتماعی سیل (یک مطالعه کیفی از سیل‌زدگان مناطق بندر امام خمینی و ...): بررسی مسائل اجتماعی / ایران، ۱۴ (۱)، ۱۳۵-۱۴۹.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه و بیان مسئله

مخاطرات و بلایای طبیعی، یکی از مهمترین نگرانی‌های عمده‌ی جهانی است که به دفعات زیاد در تمام دنیا اتفاق می‌افتد و از آن جایی که ارتباط نزدیکی با وضعیت رشد و توسعه‌ی کشورها دارد، آسیب‌های جبران ناپذیر اقتصادی و اجتماعی در زندگی مردم ایجاد می‌کند. به همین دلیل، بررسی و تحقیق در زمینه‌ی سیل به عنوان یک مخاطره‌ی طبیعی و با در نظر گرفتن ابعاد گسترده‌ی این آسیب، از جنبه‌های مختلفی حائز اهمیت بوده که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

قاره‌ی آسیا، یکی از مخاطره آمیزترین مناطق جهان با بلایای طبیعی فراوان می‌باشد. طبق تحقیقات انجام شده، ۱/۴ درصد از تلفات جانی این بلایا، مربوط به سیل است. از جمله کشورهای آسیایی که آستان حوادث طبیعی بسیاری بوده، کشور ایران است که از مجموع حوادث سیل اتفاق افتاده در جهان، ۳۱ مورد آن در ایران که ۲۱ نوع آن، در استان خوزستان رخ می‌دهند (مداری، ۱۳۸۸: ۴۶). استان خوزستان همواره آسیب‌پذیری و تاب‌آوری‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است. از تحمیل و تحمل هشت سال جنگ که هنوز آثار خرابی‌ها و ویرانی‌های آن بر جای مانده تا وقوع سیل‌هایی که تقریباً نیم دهه است در این استان جایگیر شده و اثرات انباشتی مخربی را به همراه آورده است. برخی از آثار اجتماعی سیل را می‌توان؛ افزایش سطح بیکاری، افزایش مهاجرت و یا تمایل به آن، وخیم‌تر شدن اوضاع معیشتی گروه‌های بی‌دفاع و حاشیه‌ای شهری، به وجود آمدن خرده فرهنگ‌های کجرو و بازتولید و تکثیر آن‌ها، افزایش افسردگی و بیماری‌های روحی و روانی در اثر تلنبار شدگی بحران‌ها و مشکلات، از دست دادن عضوی از اعضای خانواده، نابودی خانه و سرمایه‌ی مادی برشمرد که از جمله مواردی است که تحت تأثیر سیل، تأثیرات اجتماعی عمیقی بر ساکنان شهر برجای گذاشته است.

بر اساس مطالعات انجام شده برخی از مهمترین چالش‌ها و محدودیت‌های استان خوزستان عبارت است از: بالا بودن دما در بیش از نیمی از سال و طولانی بودن دوره‌ی گرما و تبخیر شدید، پایین بودن میزان بارندگی در مناطق عمده‌ای از استان و در عین حال بارندگی سیل آسا به دلیل گرمای هوا، کوهستانی بودن حدود ۳۵ درصد از وسعت استان و کم عمق بودن خاک در این مناطق، ضعف شبکه‌ی راه‌های ارتباطی و بالا بودن سطح آب‌های زیر زمینی (جهانگیری، استوار ایزدخواه و دیگران، ۱۳۸۹).

البته عوامل انسانی همچون ضعف مدیریتی و عملکردی هم، نقش به سزایی در شدت عمق این آسیب‌پذیری‌ها داشته است. سالیان متمادی است که مردم خوزستان در یک کنشی خردگرایانه، از طریق بکار گرفتن استراتژی‌های متفاوت، به برساخ‌های مختلفی برای همزیستی با مشکلات و بحران‌ها اقدام می‌کنند. مفهوم استراتژی و برساخ را به مانند دیگر مفاهیم، بر اساس موقعیت‌های زمانی و مکانی متفاوتی تعریف می‌کنند که هرکسی بر اساس برداشت‌های شخصی خود، به تعریف این مفاهیم می‌پردازد. اما در یک تعریف کلی می‌توان اینگونه بیان کرد که اگر افراد به راهبردها و فرآیندهایی که در جریان تعاملات و کنش‌های خود به رویدادها، موقعیت‌ها و مسائلی که برایشان رخ داده است پاسخ بدهند، استراتژی نامیده می‌شود. در برساخ معنای سیل، می‌توان دو دسته عوامل را تبیین نمود.

عواملی که ریشه در تجربه‌ی تلخ تاریخی مردم خوزستان در ارتباط با مشکلاتی همچون جنگ، اعتراضات اجتماعی، چالش‌های قومی، محدودیت‌های مرزنشینی و ... دارند و دسته‌ی دوم چالش‌هایی که مربوط به خود پدیده‌ی سیل و تجربه‌ی زیسته‌ی تلخ ناشی از سیل‌های اخیر در خوزستان به ویژه در مناطق خاص آن بوده است. پیش فرض پژوهش بر این است که این برساخ معنایی از سیل، تابع شرایط تجربی و تاریخی گذشته‌ی مردم خوزستان بوده که در پدیده‌ی سیل خود را نشان داده است. در واقع سیل و حوادث نظیر آن یک واقعیت طبیعی است که با خود تبعات زیادی به همراه دارد اما مهم‌تر از این تبعات، برساخ

معنایی و تفسیری است که مردم به این واقعیت‌ها دارند. در واقع مخاطره‌ها پدیده‌های عینی خارج از افراد هستند اما، این کنشگران اجتماعی‌اند که بر حسب شرایط اجتماعی و تجارب اجتماعی زیسته‌ی خود به مخاطره‌ها معنا می‌بخشند و آن‌ها را ادراک، فهم و تفسیر می‌کنند. آن چیزی که کنش انسانی را از سایر کنش‌ها متمایز می‌کند، نسبت معنایی هست که انسان‌ها به این کنش‌ها داده و بر اساس آن یک واقعیت را درک و تفسیر می‌کنند. مخاطره‌ها، به این دلیل "برساخت" تلقی می‌شوند که می‌توانند جدا از موجودیتی که دارند، پنداشت‌ها، تفاسیر ذهنی و ادراک متفاوتی را موجب شوند (غفاری، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

هدف این پژوهش، بررسی و فهم معنای اجتماعی سیل در اندیشه‌ی سیل‌زدگان مناطق بندر امام خمینی و جراحی واقع در استان خوزستان و تأثیر آن بر استراتژی‌های مواجهه با سیل است.

پیشینه‌های تجربی

برای انجام این پژوهش، مطالعاتی همچون طبرسا (۱۳۸۲)، داورپناه (۱۳۸۳)، معیری و انتظاری (۱۳۸۷)، مختاری (۱۳۸۸)، جهانگیری و دیگران (۱۳۸۹)، سعادت و محسنی (۱۳۹۲)، رمضان زاده و دیگران (۱۳۹۳)، حبیب‌پور گتایی (۱۳۹۷)، الیاسی (۱۳۹۸)، زند رضوی (۱۳۹۸)، سهرابی‌زاده (۱۳۹۸)، رجبی‌زاده و دیگران (۱۳۹۸)، ملتفت و بهمنی (۱۳۹۹)، بررسی و واکاوی شده‌اند. علاوه بر پژوهش‌های داخلی، پژوهش‌های خارجی چون فرداس^۱ (۲۰۱۹)، والویس و همکاران^۲ (۲۰۱۹)، کیتی پونگواویس و مینو^۳ (۲۰۱۵)، یونس و هاروی^۴ (۲۰۱۴) تاکولی^۵ (۲۰۰۹) هم مورد کاوش قرار گرفته‌اند. این پژوهش‌ها عموماً بیان می‌کنند که چالش‌های زیرساختی، چالش‌های انتظاری/ عملکردی و نادیده انگاری‌های مسئولان، در بازتولید ذهنیت منفی و تشدید بحران‌ها و کاهش تاب‌آوری‌ها، نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کنند.

اغلب پژوهش‌های داخلی، به ذکر مهم‌ترین حوزه‌های آسیب‌پذیری افراد از بلایای طبیعی به خصوص بحران سیل پرداخته‌اند که عبارت است از: فقدان امنیت شهری (به دلیل دزدیده شدن درپوش‌های فاضلابی و بروز حوادث جانی)، فقدان اشتغال (به دلیل بکارگیری نیروی غیر بومی)، مشکلات فرهنگی ناشی از نوع نگاه جامعه نسبت به مردان همچون (قوی بودن و لزوم افزایش تاب‌آوری آنان)، تشدید مسائل بهداشتی بانوان آن هم در اوج اپیدمی ویروس کرونا و حفظ حجاب در زمان وقوع حادثه و ... باعث کاهش تاب‌آوری‌ها در افراد می‌شوند. بخش دیگر از این پژوهش‌ها، مهمترین و ضروری‌ترین اقدامات جامعی که باید توسط مسئولان و نهادهای ذیربط، صورت گیرند را مطرح می‌کنند. اقداماتی همچون: احداث یک سامانه جامع فرا قوه‌ای نظام مدیریت و کنترل سیل، بهبود زیرساخت‌های شهری، تأمین نیازهای مالی ارگان‌های خدمات شهری برای رفع ضروری‌ترین نیازهای شهری مثل (خرید دستگاه پمپ و قطعات ضروری پمپاژخانه‌ها). به طور کلی این نتایج، به بررسی این موضوع می‌پردازند که معنای ناشی از بحران سیل به دلیل گستردگی آسیب در بین گروه‌های مختلف، در ابعاد سیاسی، اجتماعی و روانی، خود را نشان می‌دهد و واکنش‌های افراد در این شرایط متفاوت است. علاوه بر پژوهش‌های داخلی، به پیشینه‌های خارجی که ارتباط مستقیم و غیرمستقیمی با موضوع پژوهش داشته‌اند، پرداخته می‌شود.

¹ Ferdous

² Valois et al

³ Kittipongvises and Mino

⁴ Younus and Harvey

⁵ Tacoli

در پژوهش‌های خارجی محققانی همچون، فرداس (۲۰۱۹)، والویس و همکاران (۲۰۱۹)، کیتی پونگوایس و مینو (۲۰۱۵)، تاکولی (۲۰۰۹)، به موضوعاتی از قبیل: نحوه‌ی سازگاری و رفتارهای پیشگیرانه و همچنین کنار آمدن با بحران سیل از طریق حمایت‌های عاطفی از جانب خانواده و حمایت‌های نهادهای دولتی، پرداخته‌اند. برخی دیگر از محققان، به موضوعات پیامدی سیل پرداخته‌اند و به این نتایج رسیده‌اند که تغییرات آب و هوایی بر میزان جمعیت، مهاجرت، بیکاری و پیامدهای منفی روحی و روانی ناشی از آن بر ساکنان تأثیر گذار بوده است. این دسته از پژوهش‌ها، به مبحث سوء مدیریت‌های دولتی و اینکه چطور تغییرپذیری در شرایط جوی شرایط را از پیش بحرانی‌تر می‌کند، می‌پردازند.

در نقد و ارزیابی مطالعات پیشین می‌توان این نکته را مطرح کرد که مطالعات داخلی، بیشتر از منظر مهندسی، جغرافیایی، هواشناسی و سایر حوزه‌های عمرانی به پدیده‌ی سیل توجه کرده‌اند و همچنین مطالعات کمتری در پیشینه‌های خارجی می‌توان یافت که به طور مستقیم، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی که سیل به همراه داشته را مورد بررسی قرار داده باشند. به طور کلی باید گفت که سهم پیشینه‌های پژوهشی که به ثبت تجارب زیسته و روایت‌های ساکنان مناطق درگیر با سیل می‌پردازند، در هر دو مطالعات داخلی و خارجی بسیار اندک است. لذا این پژوهش، سعی نموده است تا پشتوانه‌ی مطالعاتی بهتری را در اختیار پژوهشگران و جامعه‌شناسان قرار دهد.

چهار چوب مفهومی

این پژوهش سعی دارد با تأکید بر رویکرد تفسیری، چهارچوب مفهومی جامعه‌شناسانه را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. به همین دلیل سعی شده است برای رسیدن به حساسیت نظری، نظریات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مرتبط با رویکرد پژوهش، سازماندهی شود.

نظریه‌ی برگر و لاکمن به دلیل تأکید بر تفسیر انسان‌ها از یک پدیده‌ی اجتماعی، مورد تأکید قرار گرفته است. در این رویکرد، سیل و سیل‌زدگی بیش از آنکه دلالت زیست محیطی داشته باشد، دلالت اجتماعی و فرهنگی دارد. درک و فهم افراد از پدیده‌ی سیل، تابع شرایط اجتماعی و بافت موقعیتی است که سیل‌زدگان با آن مواجه بوده و درک می‌کنند. بدین منظور، حساسیت نظری حاکم بر تحقیق به دلیل تأکید این رویکرد بر معنا و مفهومی که سیل‌زدگان نسبت به واقعیت‌های زندگی روزانه‌ی خود می‌دهند و سیل را یک پدیده‌ی الهی درک و تفسیر می‌کنند، مورد استفاده و تأکید قرار گرفته شده است.

نظریه‌ی بازفقر اجتماعی اسکار لوئیس بر اهمیت مفهوم فرهنگ فقر، تأکید کرده است. لذا حساسیت نظری این رویکرد این است که **احساس محرومیت ساختاری** «اعم از اقتصادی و اجتماعی سیل‌زدگان» منجر به بازتولید نوعی فرهنگ فقر در بین آنان می‌شود. در نتیجه آن می‌توان اظهار کرد که فقر، حاصل فضای اجتماعی و فرهنگی بزرگتری است که افراد در آن اجتماعی می‌شوند و این فرهنگ به صورت نسل به نسل منتقل می‌شود و افراد با روحیه‌ی تقدیرگرایانه، تسلیم زندگی فقیرانه‌ی خود می‌شوند. در آخر تد رابرت گر، معتقد است که هرچه گروه‌های محروم در جامعه، در نتیجه‌ی آگاهی از محرومیت نسبی، مشروعیت توزیع منابع مطلوب را بیشتر زیر سؤال ببرند، امکان بروز ستیز و درگیری افزایش می‌یابد و هرچه ساخت اجتماعی متصلب‌تر باشد و کانال‌ها و مجاری لازم برای بروز تضلّم‌ها و نارضایتی‌ها و حل و فصل درگیری‌های اجتماعی در دسترس نباشند، این ستیز شدیدتر خواهد شد. حساسیت نظری محرومیت نسبی به دلیل تأکیدش بر شکاف میان «انتظارات ارزشی افراد» و «توانایی ارزشی محیط»، منجر به «در هم تنیدگی و انباشتگی بحران‌ها و محرومیت‌ها در اذهان سیل‌زدگان در طول زمان» می‌شود که با هر واقعه‌ای، این تلنبارشدگی خود را نشان می‌دهد.

روش تحقیق

با توجه به حساسیت موضوع مورد مطالعه پژوهش و ضرورت مطالعه عمیق و همه جانبه‌ی آن و همچنین با در نظر گرفتن این نکته که عناصر حیاتی نظریه‌ی جامعه شناختی غالباً با استفاده از رویکرد کیفی بهتر از هر رویکرد دیگری کشف می‌شوند، این رویکرد انتخاب و به دلیل نگاهی خلاقانه، فعالانه و معنا ساز که به انسان دارد، مورد تأکید قرار گرفته است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۵۱). بدین منظور برای فهم و درک معنای سیل زدگان از یک پدیده‌ی طبیعی، از روش نظریه‌ی داده بنیاد استفاده شده است.

نمونه‌ی مورد پژوهش در این تحقیق، ۲۰ نفر از خانواده‌های آسیب دیده از جریان سیل در شهرستان بندر امام خمینی و دهستان جراحی واقع در استان خوزستان بوده است. نمونه‌گیری بکار برده شده در این پژوهش، نمونه‌گیری نظری است. مصاحبه با سیل زدگان آنقدر ادامه پیدا کرده بود که این پژوهش توانست با ۲۰ نفر از افراد، به اشباع نظری در روند مصاحبه دست پیدا بکند. فرآیند تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، به صورت همزمان و مستمر با جمع‌آوری داده‌ها انجام گرفته شده است. ضبط مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت کنندگان بوده و قبل از انجام مصاحبه در مورد موضوع، هدف تحقیق، روند کار، رعایت اصول اخلاقی به افراد شرکت کننده توضیحاتی ارائه شد.

مصاحبه در این تحقیق، به صورت انفرادی و رو در رو و شامل چندین سؤال باز بود که از شرکت کنندگان خواسته می‌شد تا به بیان دیدگاه‌ها و نظراتشان در رابطه با هر سوال بپردازند. محقق در روند مصاحبه، هر از گاهی شرکت کنندگان را به چالش می‌کشاند تا مشخص بکند جواب به سوالات در جریان درستی قرار گرفته است. میانگین مدت زمان هر مصاحبه متناسب با شرایط خاص شرکت کنندگان از ۲۰ دقیقه تا ۱:۳۰ ساعت بوده است. قبل از شروع مصاحبه با بیان کردن اهداف پژوهش، دلایل لزوم به همکاری، اجازه برای ضبط برای جمع‌آوری داده، نقش آنان به عنوان ذی‌نفعان این پژوهش و اطمینان برای محرمانه بودن اطلاعات و مشخصات آنان (اعم از نام، فایل‌های مصاحبه، نوشتارها و انتخاب عناوین مستعار برای ایشان)، از مصاحبه شوندگان اجازه گرفته شد. محقق در این تحقیق سعی کرده است از اسامی مستعاری که به انتخاب مشارکت کنندگان بوده، در جریان تحلیل استفاده نکند. هدف از این اقدام، بالا بردن جو صمیمی و اعتماد بوده تا افراد بتوانند آزادانه به بحث بپردازند.

یافته‌های پژوهش

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، تعداد مصاحبه شوندگان ۲۰ نفر بوده که از این تعداد، ۹ نفر از زنان و ۱۱ نفر از مردان، نمونه مورد پژوهش را شامل می‌شوند.

جدول ۲: ویژگی جمعیت شناختی سیل‌زدگان بندرامام خمینی و جراحی

ردیف	نام مستعار	شغل	مدت سکونت در محل به سال
۱	آقای محمودی	عضو مهندسین خوزستان NGO	۱۹
۲	مسلم	راننده آژانس	۱۳
۳	بابا عادل	پنچرگیر	۳۰
۴	بابا محمد	بازنشسته	۳۵
۵	مصطفی	مغازه دار	۱۵
۶	سمیرا	منشی کلینیک زیبایی	۱۰
۷	مژگان	خانه دار	۲۵

ردیف	نام مستعار	شغل	مدت سکونت در محل به سال
۸	مژده	خانه دار	۳۵
۹	جمشید	نقاش	۳۵
۱۰	سحر	خانه دار	۳۱
۱۱	بابا مهدی	بازنشسته شرکت پتروشیمی	۱۵
۱۲	زینب	کارمند	۱۷
۱۳	مهسا	مغازه دار	۸
۱۴	عبدالامیر	آزاد	۱۴
۱۵	سمیه و سیمین	خانه دار	۱۱
۱۶	مهناز	خانه دار	۲۳
۱۷	مریم	مغازه دار	۹
۱۸	مهندس مسعودی	معاونت خدمات شهری	۷
۱۹	بابا رضا	بنا	۹
۲۰	احمد	ناتوان جسمی	۱۰

با تحلیل و بررسی دقیق و خط به خط متن مصاحبه‌های پژوهش، مفاهیم، مقوله‌های فرعی، مقوله‌های اصلی و مقوله‌ی هسته، از بطن عوامل زمینه‌ای، علّی، مداخله‌ای، طی فرآیندهای جزئی، دقیق و طولانی، مفهوم پردازی و ارائه شده است. در نتیجه‌ی این فرآیند، مقوله‌ی هسته از ۷ مقوله‌ی اصلی، ۴۴ مقوله‌ی فرعی و ۲۱۵ مفهوم برساخته شده است که به دلیل محدود بودن ساختار مقاله، مفاهیم و مقولات اصلی و فرعی در جداول مفهومی حذف شده‌اند.

ضمن مشخص نمودن مقولات اصلی از دل داده‌ها و نمایندگی خطوط داستان برای ملموس‌تر شدن فرآیند پژوهش برای خواننده و تقویت احساس همدردی در بین آنان، در ادامه به عواملی همچون: شرایط علّی/ شرایط زمینه‌ای/ شرایط مداخله‌ای/ عوامل راهبردی و یا همان استراتژی‌ها/ عوامل پیامدی و در نهایت استخراج مقوله‌ی هسته و ترسیم مدل پارادایمی پرداخته می‌شود.

شرایط علّی

شرایط علّی عبارت است از یک سری قضایایی که علّت و پدید آورنده‌ی یک معنا است. یا به عبارت دیگر، حوادث، رویدادها و اتفاقاتی که منجر به وقوع یا توسعه‌ی یک پدیده می‌شوند (ازکیا، ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۹۷). شرایط و یا عوامل علّی، به این دلیل از اهمیت زیادی برخوردار است که نحوه‌ی مواجهه‌ی افراد با پدیده را مشخص می‌کنند.

انباشت نهادی منفی

منظور از انباشت نهادی منفی، تلنبار شدگی مسائلی همچون: نادیده انگاری یا انگاره‌ی طرد شدگی و بازتولید ذهنیت منفی در جریان بحران‌ها و هم افزایی مشکلات است. البته ناگفته نماند که این مسائل به واسطه‌ی فشارهای چند جانبه‌ی اجتماعی، اقتصادی و روانی بر مردم، "انباشت نهادی منفی" را بر ساخت می‌کنند. انباشتی که به مرور و در طی بحران‌ها، جمع شده است و در عین حال توسط شرایط زمینه‌ای و مداخله‌ای هم تقویت می‌شود. یکی از زیر مقولات انباشت نهادی منفی، انگاره‌ی طرد شدگی یا نادیده انگاری است.

انگاره‌ی طرد شدگی یا نادیده انگاری، از ترکیب دو مقوله‌ی انگاره‌های طرد خدماتی و جغرافیایی نشأت می‌گیرد. حاصل ترکیب این دو انگاره، منجر به انگاره‌ی طرد اجتماعی می‌شود. این انگاره، فراتر از انگاره‌های دیگر است. افراد، اول از عدم دریافت حداقلی خدمات و امکانات شهر و استان خود (خدماتی) و در مرحله‌ی بعد بر حسب موقعیت جغرافیایی استان و همچنین پدید آمدن احساس غریبه پنداری و نادیده انگاری در آنان از طرف مسئولین (جغرافیایی) به یک انگاره‌ای در آخر می‌رسند که نتیجه‌ای جز کنشگران منفعل برای جامعه در پی نخواهد داشت. کنشگرانی که دیگر دنبال اصلاح و تغییر در جامعه و بهبود اوضاع خود و آیندگان شان نیستند و تنها راه نجات را یا در انفعال اجتماعی و قهر خود با مسئولین می‌یابند و یا در مهاجرت‌های دائم از شهر و استان خود.

طرد اجتماعی در واقع فرآیندی است که در نتیجه آن، افراد و گروه‌های اجتماعی معینی از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می‌شوند. طرد اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌ها از مسائلی نظیر بیکاری، تبعیض‌های قومیتی، مهاجرت‌های غیر بومیان، درآمد پایین و ... رنج می‌برند (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۷۳). اصطلاح طرد اجتماعی در عین اینکه وضعیتی ایستا از محرومیت به شمار می‌آید، در واقع فرآیند پدید آورنده‌ی محرومیت‌ها هم تلقی می‌شود. یعنی علاوه بر اینکه طرد اجتماعی، زائیده‌ی شرایط محرومیت است ولی خود نیز محرومیت‌های جدیدی ایجاد می‌کند (لیانا و همکاران، ۲۰۱۲؛ به نقل از سفیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۹).

در یک جمع بندی کلی باید گفت، در مباحثی مانند طردهای خدماتی و جغرافیایی که ذکر شده بود و همچنین تحلیل گزارش‌های میدانی مردم، متأسفانه به این نتیجه رسیده‌ایم که در جامعه‌ی خوزستان انگاره‌ی طرد شدگی، حاصل یک کنش عامدانه‌ی عاملان بیرونی است و ادامه‌ی این روند منجر به از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی و کنشگران فعال در جامعه می‌شود. انگاره‌ای که شاید بُعد ذهنی داشته باشد اما در واقعیت به تصویر کشیده می‌شود و نتیجه‌ای جز، پیامدهای زیان بار نه فقط برای استان بلکه برای کشور در آینده در پی خواهد داشت.

در ادامه مشارکت کنندگان در رابطه با نادیده گرفتن‌ها و احساس طرد شدگی، مسائلی را هم مطرح می‌کنند. به طور مثال، مسلم مسئله‌ی ایدئولوژیکی را مطرح می‌کند و معتقد است «دلیل این طرد شدن‌ها این است که مسئولان فکر می‌کنند ما مسلمان نیستیم». اما خانم دولت، نگاه متفاوتی از طرد شدگی را ارائه می‌دهد. به باور او، شهر و استان‌ش در همه‌ی زمینه‌ها طرد شدگی را احساس می‌کند. او می‌گوید:

تمام سرمایه‌ی خوزستان، برای هیچ جای این استان خرج نمیشه. از خوزستان بر می‌دارن اما، خرجی براش نمی‌کنن. خوزستان منبع درآمد ولی برای مردمش درآمدی نداره. به باورم، شهر و استانم رو کنار گذاشتن، تو هر شرایطی نه تنها سیل.

بازتولید ذهنیت منفی

دومین زیر مقوله‌ی انباشت نهادی منفی، بازتولید ذهنیت منفی است. در این بازتولید، به چرخه‌ی مداوم انگاره‌های منفی پرداخته می‌شود. شاید مسئولان، اقداماتی را انجام بدهند اما، به واسطه‌ی پیشینه‌ی تاریخی و عدم مدیریت صحیح در جریان بحران‌ها، این ذهنیت منفی همیشه با مردم همراه است و نسل به نسل هم بازتولید می‌شود. در ادامه چند نمونه از بازتولید ذهنیت منفی از نگاه سیل‌زدگان مطرح می‌شود.

بابا رضا در رابطه با ذهنیت منفی و بازتولید آن در جریان دو بحران اینگونه می‌گوید:

چند وقت پیش یک مسئولی اومده بود تا میزان خسارت هامو بنویسه من باهاش درگیر شدم گفتم آقا یک سال پیش که سیل اومد چیکار کردید برامون؟ الان من دلم به چی خوش باشه که بخوام باهاتون همکاری بکنم؟ وقتی مسئولین اومده بودن تا خونمون رو بررسی کنن، هنوز ۳۰ سانت تو خونم آب مونده بود. تهش چی شد؟ اومدن، دیدن، نوشتن و هیچ کاری نکردن.

بابا مهدی در رابطه با این بی اعتمادی نهادهی به مسئولان و همچنین اقدامات آنان در جریان بحران‌ها، اینگونه اظهار می‌کند: حادثه دوم (آبان ۹۹) که برای همه ما پیش آمده بود، هیچ مسئولی نبود و بگه یخچالتون خراب شد بفرما این یک قالب پنی‌ر خدمت شما... اگر هم بسته غذایی تحویل دادن همش مردمی بوده و خیرین کمک کردند، نه مسئولان... و اما مژگان روایت دیگری دارد. او معتقد است: مسئولان برای این استان هیچ کاری نکردن و بعداً هم نمی‌تونن مدعی بشن که کاری برامون انجام دادن و حتی باور داریم که هیچ کاری هم برامون نخواهند کرد.

هم افزایی مشکلات

آخرین زیر مقوله‌ی انباشت نهادهی منفی، هم افزایی مشکلات است. منظور از هم افزایی مشکلات، تلنبار شدگی آنان است. یعنی قبل از وقوع بحران، سیل‌زدگان دارای مشکلات عدیده‌ای بودند و حین وقوع و درگیری با بحران، این مشکلات اضافه می‌شوند و بعد از بحران، شکل عمیق تری به خودش می‌گیرد و باعث می‌شود با شروع بارندگی‌ها و ایجاد خسارت‌ها، به مثابه سیل تلقی گردد. سیلی که با خودش تبعات و آثار عمیق روانی بر جای می‌گذارد. این همزمانی و هم افزایی مشکلات برای سیل‌زدگان، به مثابه ماشین زمانی است که در اعماق مشکلات و بحران‌های گوناگون شهر و استان شان در دل تاریخ طرد شدن‌ها، سفر کنند. سفری تلخ که پایانی برایش متصور نمی‌شوند.

بابارضا، در رابطه با این تلنبار شدگی مشکلات و همزمانی مشکلاتش اینگونه می‌گوید: قبل از اینکه این اتفاق برامون بیفته مشکلاتمون زیاد بود. مثلاً: تنها چیزی که بالا نمیره دست مزد کارگر و بناست. بعد میام یه چیزی بخریم می‌بینیم دو برابر حقوق مونه. با چنگ و دندان و تو گرمای ۶۰ درجه باید کار بکنیم. پول آب و برق و گاز تلنبار میشه و حتی نمی‌رسیم که پرداخت بکنیم. اینها همه مشکلات قبل از سیلاب بود حالا هم بحران سیل و از بین رفتن زندگیمون هم بهش اضافه شده. این مسائل باعث شده که با یک دنیای مشکل مواجه بشیم.

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای بیانگر مجموعه شرایط خاص یک پدیده است که در یک زمان و مکان جمع می‌شوند و اشخاص با تعاملات خود، راهبردهای کنش/واکنش را ایجاد می‌سازند (ازکیا، ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۹۷). شرایط زمینه‌ای به این دلیل دارای اهمیت است که در سطح خرد مطرح می‌شود و با پدیده مرکزی تحقیق و همچنین انواع استراتژی‌های مشارکت کنندگان در ارتباط است.

تعارضات موقعیتی

در پژوهش حاضر «تعارضات موقعیتی در استان»، زمینه‌های شکل‌گیری معنای سیل را تشکیل می‌دهد. معنایی که ممکن است باران را مصیبت و آبرگرفتگی خانه و شهر را، سیل تلقی کنند. طی بررسی‌های صورت گرفته از مفاهیم و تعاریف مصاحبه شونده‌گان، **موقعیت جغرافیایی دو گانه** که شامل: (نفت خیز بودن/بیکاری)، (پایین دستی استان نسبت به دیگر استان‌ها/سیل خیز بودن آن)، (قابلیت کشت و کشاورزی، دارای نیروگاه و پتروشیمی، دارای بندر و کشتی رانی/نبود امکانات حداقلی در شهر و حاشیه شهر مانند: (نبود آب شرب، امکانات برقی و گازی) و همچنین **موقعیت اجتماعی حساس در بندر امام و جراحی مانند: (امنیتی شدن**

مسائل و اتفاقات)، (قومیت عرب)، (گرانی و گروکشی در خرید مایحتاج ضروری) و (ازدیاد مهاجران غیر بومی)، جزء عوامل تأثیرگذار بر زمینه‌هایی هستند که معنای سیل از نگاه سیل‌زدگان را شکل می‌دهد. علاوه بر این که زمینه‌ها در یک بستر اجتماعی رخ می‌دهند، باعث بازتولید مکرر **معنای سیل** در بین مردم و به خصوص آسیب دیدگان می‌شود. چرا که هر کدام از عوامل تحقیق با ایجاد چالش‌هایی، بستر و زمینه‌های ایجاد پدیده‌ی مرکزی را هموار و تقویت می‌کنند. این عوامل در بستری بروز می‌کنند که محل زندگی مردم و فعالیت آنان می‌باشد و تحقیق و مطالعه هم در همین بستر صورت گرفته است. بستری که دارای دو موقعیت متضاد جغرافیایی و اجتماعی است. یعنی افراد در شهر و استانی زندگی می‌کنند که عایدات فراوانی دارد اما، برای مردمش عایده و منفعتی ندارد. این بستر و زمینه‌ها، منجر به فهم و درک بهتر معنای ذهنی از یک واقعه‌ی قابل رؤیت و عینی بدل می‌شود. به طور مثال سمیرا، دختر جوانی است که در رابطه با ثروتمند بودن استان خود و فقیرتر شدن مردمش می‌گوید:

در شهر و استانمون، پتروشیمی هست و خوزستان قطب صنعتی ایران از لحاظ ذخایر زیر زمینی است. خوزستان ثروتمندترین استان ایران... پس چرا وضعمون نسبت به تهران و شهرهای دیگه خوب نیست؟ ما روی گنج نشستیم ولی این منبع درآمدها کجا خرج میشه واقعاً جوابشو نداریم وقتی هم به ما رسیدگی نمی‌کند پس ما به این باور می‌رسیم که خوزستان را کنار گذاشتن. بابا رضا در ادامه اینطور بیان می‌کند:

کلاً خوزستان پرت شده، کنار گذاشته شده. چرا اینو میگم؟ چون غیر بومی‌ها الان سرکارن ولی جوان‌های ما حتی اون افرادی که مدرک دارن، لحظاتی که رو تو پارک با سیگار می‌گذرونن. نگین کشور خوزستان... منطقه‌ی حاصلخیزش از نیشکر بگیر تا اون نخلستان‌های خرماش و یا حتی منبع نفت خیزش. حالا بگذریم از درآمد بنادر و اسکله هاش. علتش چیه که وضع مردم خوزستان اینجوریه؟

شرایط مداخله‌ای

منظور از شرایط مداخله‌گر، شرایط ساختاری مربوط به راهبردهای عمل / تعامل است که به یک پدیده ربط دارد (ازکیا، ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۹۷). این عوامل، تسهیل‌گر یا محدود کننده‌ی راهبردهایی هستند که درون یک زمینه خاص قرار دارند. یا در تعریف دیگر باید گفت، عوامل و شرایطی که خارج از اختیارات کنشگران بوده و با ایجاد تأثیراتی در ابعاد مثبت و منفی، فرآیندهای شکل‌گیری معنا را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. یعنی، برخی پدیده‌هایی که جزء زمینه اصلی تحقیق نیستند اما، در تشدید مقوله تحقیق نقش اساسی دارند.

درهم تنیدگی محرومیت و بحران

این عوامل مداخله‌ای بر پدیده‌ی اصلی تأثیرگذار هستند و خارج از حوزه‌ی شخصی و زمینه‌ای قرار دارند. عوامل مداخله‌ای، در سطح خرد دارای کارکرد نیستند اما می‌توانند که بستر مورد بررسی را در سطوح میانی و کلانی مورد بررسی قرار دهند. به طور کلی این عوامل مداخله‌گر، خارج از اختیارات کنشگران قرار دارند اما در بر ساخت و واکاوی معنای سیل مداخله می‌کنند. مفهوم اجتماعی «**درهم تنیدگی محرومیت و بحران**» به همراه بسترهای درونی «**عادتواره تعلق به خوزستان**»، موجب می‌شوند تا سیل‌زدگان به نوعی تقابل با خود و چالش‌های زیست روزانه شان بپردازند. برای آنان از یک طرف، این درهم تنیدگی محرومیت‌ها دیگر قابل حل و تحمل نیست و از طرفی دیگر، جا گذاشتن این تعلقات مکانی در بطن زادگاه هم کار مشکلی است. به طور مثال مصطفی می‌گوید:

«بیشتر مردم خوزستان برخلاف میلشون، برای کار میرن یزد. چون مجبورن که استان خودشون و رگ و ریشه هاشون رو ول بکنن و برای کار کردن برن جایی که نمیشناسن و تو غربت زندگی بکنن»

راهبردها

مفهوم استراتژی را به مانند دیگر مفاهیم، بر اساس موقعیت‌های زمانی و مکانی متفاوتی تعریف می‌کنند. همانگونه که هرکس بر اساس برداشت‌های شخصی به تعریف این مفهوم می‌پردازد، در این پژوهش، به تعریف شخصی و متفاوت افراد مورد مطالعه در حین بحران از مفهوم استراتژی پرداخته شده است. استراتژی‌ها، بیانگر آن دسته از تعاملات و کنش‌هایی است که افراد در قبال آن شرایط از خود واکنش نشان می‌دهند و در تعریفی دیگر، اصطلاحاتی مانند: کنش متقابل و یا عمل متقابل، مفاهیمی هستند که به تاکتیک‌های راهبردی و چگونگی مدیریت کردن موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و اموری که به کار می‌برند، اشاره دارد. این تاکتیک‌ها یا رفتارهای عادی، مجموعه اقداماتی هستند که مردم و سازمان‌ها در جوامع مختلف انجام می‌دهند (اشتروس، کربین، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

استراتژی ترکیبی شکننده

استراتژی‌ها بر حسب شرایط و موقعیت اقتصادی در بین افراد متمول و فقیر کاملاً متفاوت بوده است. طوری که می‌توان گفت، نوعی «استراتژی ترکیبی شکننده» در بین افراد حاکم بوده است. به دلیل بحران حین سیل، استراتژی‌ها به چند دسته کوتاه مدت، فعال و منفعل دسته بندی شده اند. در استراتژی‌های کوتاه مدت، افراد به واکنش‌های آنی و لحظه‌ای اقدام می‌کردند و با استراتژی فعال به کمک همسایه‌ها می‌آمدند و یا به ساخت سیل بند اقدام می‌کرده اند. استراتژی منفعل در بین افراد، نوعی استیصال و درماندگی از باران و سیل بوده است. طوری که افراد در آن لحظه نمی‌توانستند اقدامی بکنند و یا در موارد دیگری هم تمایلی نداشتند. بدین صورت که به درجه‌ای از بی تفاوتی نسبت به خود و از بین رفتن وسایلشان رسیده بوده اند و دیگر برایشان هیچ چیزی مهم نبوده است. به طور مثال، استراتژی که سمیر در جریان بحران سیل در پیش گرفته بود، نوعی انفعال و تسلیم در برابر تقدیر الهی بوده است. او در ادامه می‌گوید:

«خسارت‌هایی که تو این آبگرفتگی امسال ما دیدیم دو تا فریزر بوده، یه یخچال، یه کولر و یه پمپ آب. البته همه‌ی این‌ها کمک مردمی به مسجد بوده. چون ما مسجد داریم، اینا همه نذورات مردم بوده. ببین با یه بارون وضعمون چه جوری شده. ما دیگه چی داریم که بخوایم نگران از دست دادنش باشیم. همه چیزو مردم بهمون دادن، اما خدا همه رو ازمون گرفت».

پیامدها

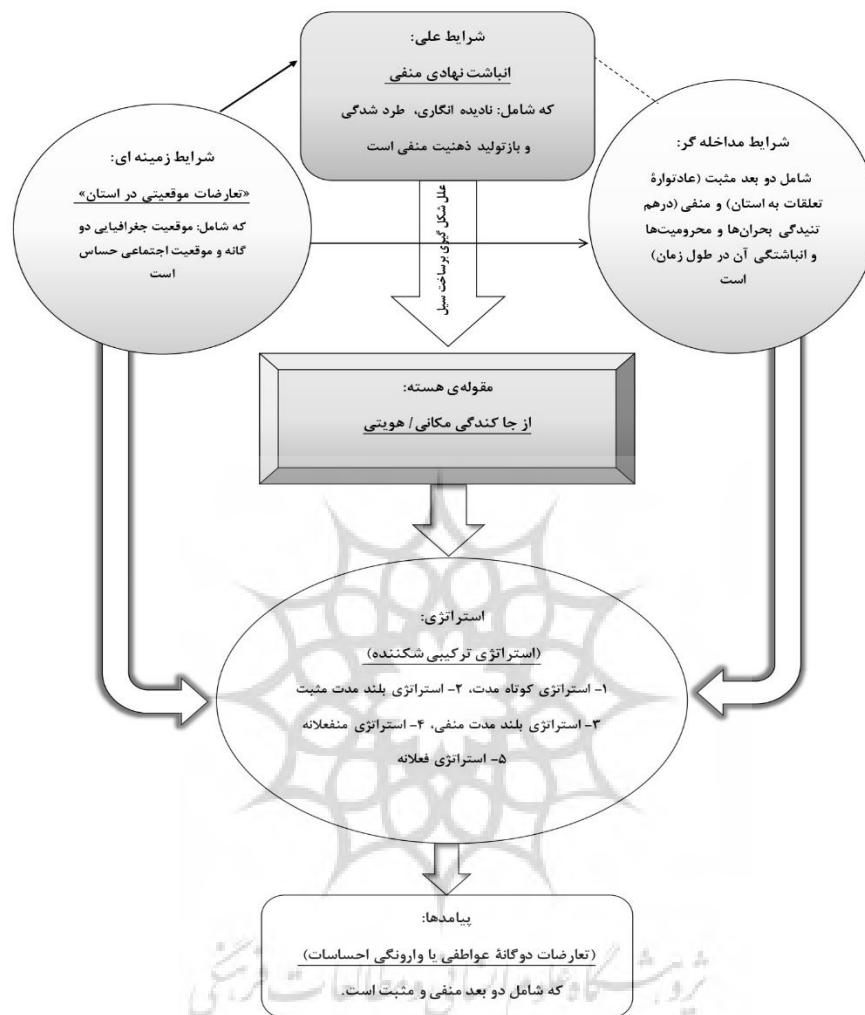
آخرین بخش مدل پارادایمی هر تحقیق، پیامدها هستند. پیامدها تحت تأثیر عوامل و شرایط زمینه ای، علی، مداخله‌ای و راهبردها (استراتژی‌ها) هستند. پیامدها در واقع، برون دادها یا نتایج کنش و واکنش هستند. منظور از پیامدها، سلسله وقایعی است که در جریان بحران‌ها برای گروه‌های آسیب دیده دو شهر بندر امام و جراحی اتفاق افتاده و بعد توسط مردم به صورت استراتژی‌های مختلف پیاده شده است.

وارونگی احساسات

این مفهوم، از ترکیب متعارض پیامدهای مثبت و منفی ساخته شده است. منظور از این مفهوم، عواطف متناقض و متعارض سیل‌زدگان است. عواطفی که هر سال به دلیل مشکلات فراوان و سپردن زندگی به دست مسائل و مشکلات، اما مردم تمایل به جدا شدن از آن محیط را ندارند. بعضی از آنها به دلیل مشکلات مالی، می‌سوزند و می‌سازند و بعضی هم به دلیل تعلقات محله‌ای و مکانی، بالا بودن انسجام اجتماعی و قومیت‌گرایی در بین آنان، تمایلی به جدا شدن از آنجا را ندارند. این بدان معنا نیست که انگاره‌های طرد شدگی و نادیده انگاری و همچنین محرومیت‌های ساختاری در بین آنان وجود ندارد و یا بدان معنا باشد که آنان کنشگرانی منفعل هستند. خیر، آنان به این خاک پایبند هستند و امیدی به تغییر اوضاع و احوال شهر و استان خود دارند. وجود تعارضات دوگانه احساسی و عواطفی به این دلیل است که کاسه صبرشان لبریز شده اما، تعلقات قومیتی و محله‌ای باعث نمی‌شود که از اصل خود جدا شوند.

مقوله‌ی هسته‌نهایی پژوهش: از جاکندگی ترکیبی مکانی / هویتی

مفهوم «از جا کندگی» از نظریات گیدنز به عاریت گرفته شده است. گیدنز این مفهوم را اینگونه تعریف می‌کند: «از جا کندگی یعنی، کنده شدن روابط اجتماعی از محیط‌های محلی هم کنش و تجدید ساختار این محیط‌ها در راستای پهنه‌های نامحدود زمانی/ فضایی» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۶). یکی از مکانیسم‌های از جا کندگی، نشانه‌های نمادین است. این نشانه‌ها در واقع، برخی از وسایلی هستند که قابلیت تغییر و تبدیل به ارزش‌های استاندارد شده را دارند و در میان بافت‌های گوناگون اجتماعی قابل تبدیل و تعویض اند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۷). پدیده اصلی و یا تم‌نهایی این تحقیق، «از جا کندگی ترکیبی مکانی / هویتی» است. این مفهوم، با سطح انتزاعی بالایی که دارد، همه مقولات را به همدیگر وصل و مرتبط می‌کند. منظور از این مفهوم، از جا کندگی مردمانی است که وقایع تلخ را در گذر زمان تجربه کرده‌اند و با وقوع هر بحران و محرومیتی، از زمین و زمان جدا می‌شوند و در تاریخ این محرومیت‌ها سفر می‌کنند. از جا کندگی ترکیبی مکانی و هویتی در واقع، مفهومی است که افراد را به گذشته‌ای می‌اندازد که از واقعیت‌های روزمره‌شان جدا شوند و ذهنیت‌هایی از قبیل نگاه‌های ایدئولوژیکی، قومیت‌گرایی منفی و انگاره‌های طرد شدگی را بازتولید می‌کنند. فرد با هر نادیده گرفتن‌ها به ریشه این مشکلات در ذهن، هویت و گذشته‌ی سراسر تراژدیک خود سفر می‌کند. دلیل نادیده گرفتن‌ها را در هویت عرب بودن خود جستجو می‌کند. او حتی به از جا کندگی مکانی می‌پردازد. به این دلیل که فرض را بر این می‌گذارد که همیشه خوزستان نسبت به دیگر استان‌ها کنار گذاشته شده است و دلیل آن هم، مرزی بودن استان است. از جا کندگی به مثابه گلی است که از خاک جدا مانده و به ریشه‌هایش آب و خاک نمی‌رسد. یعنی افراد با ریشه‌هایی که دارند، از زمان و مکان جدا می‌شوند و مدام در معرض آسیب دیدن هستند. آسیبی که یقیناً تا به الان، تبعات ناگواری داشته است. به دلیل همین انباشتگی محرومیت‌ها در طول زمان است که باران، معنایی جز زحمت برای مردمش ندارد و هر قطره بارانی که می‌بارد بر آستان خانه و شهر، به مثابه مصیبتی تلقی می‌شود که این استان را چندسالی است درگیر کرده است و برای مردمانش، خاطرات تلخ از دست دادن‌ها، خاطرات جنگ و همین‌طور تشدید احوال بیماران را تداعی می‌کند و سیل را بر اساس محرومیت‌های مداوم و انباشتگی مسائل تعریف می‌کنند. از جا کندگی ترکیبی مکانی / هویتی، یعنی تراژدی‌های غم‌انگیزی که در غالب‌ها و اشکال مختلف و در طول زمان، به صورت مداوم بازتولید می‌شوند و افراد را به سفر در زمان ترغیب می‌کنند.



شکل ۱: مدل پارادایمی پژوهش

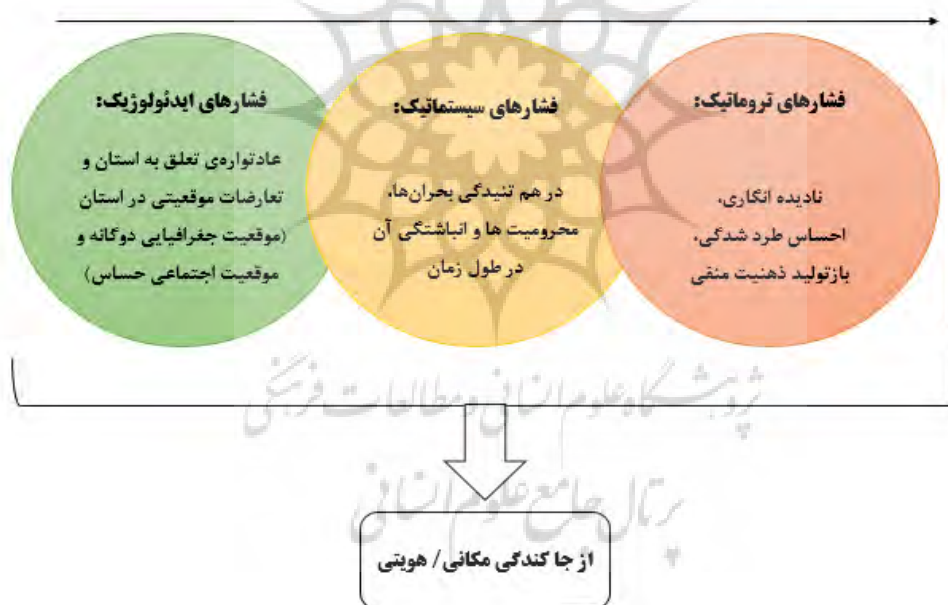
بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر همانطور که نشان داده شده است، برای تثبیت صورت‌های اجتماعی از سیل، علاوه بر ویژگی‌های فردی، مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی هم دخیل هستند. عواملی که باعث تسریع برساخت معنای سیل می‌شوند عبارت است از: «موقعیت جغرافیایی دو گانه و موقعیت جغرافیایی حساس، نادیده انگاری، انگاره طرد شدگی، بازتولید ذهنیت منفی، هم افزایی مشکلات، درهم تنیدگی بحران‌ها و عادتواره تعلقات به استان». این عوامل در ۳ سطح کلان (جامعه)، سطح میانی (محیط) و سطح خرد (ذهنیت فرد) ظهور می‌کنند.

زمینه‌های ذهنی بروز برساخت معنایی سیل، با توجه به شرایط گوناگون اتفاق می‌افتد. معنایی که در طول زمان و بر اثر محرومیت‌های پی در پی ساخته شده است. به طور مثال: در استان خوزستان، ضمن منافع و عایدات فراوان، اما اکثر مردمانش با

امکانات حداقلی زندگی می‌کنند. با وجود رودخانه‌های پر آب همچون: کارون، دز، کرخه، مارون و یا جراحی، شاور، زهره، اما مردم این استان، آب قابل شرب ندارند و آب آشامیدنی را می‌خرند. این استان با وجود قشر تحصیلکرده فراوان اما، حضور غیر بومی‌های شاغل در این استان، برای این مردمان قابل درک و توجیه نیست. علاوه بر مشکلات ذکر شده، گرانی مایحتاج به خصوص ماهی و خرما که قوت قالب مردمان این استان است، بر حجم مشکلات اضافه کرده و سفره‌ی آنان را نسبت به سال‌های قبل کوچکتر کرده است. جدای از این موارد، خشکسالی و بی‌توجهی مدیران و مسئولان به این شرایط خاص جغرافیایی و وقوع سیل که تبدیل به یک معضل هر ساله شده و آلودگی بیش از حد هوا، یک انباشتگی مشکلات برای مردم به وجود آورده است.

در طرح واره نظری، فرآیندها و مسیرهای طی شده نشان داده می‌شوند. در واقع در این طرح می‌توان همه‌ی فرآیندها و مسیرهای تحقیق طی شده برای بر ساخت مقوله هسته را در قالب یک مدل گنجانده. فلش‌های یک سر نشان در این طرح وجود دارند که به معنای شروع و پایان است. این طرح، از فشارهای ایدئولوژیک شروع و منجر به فشار سیستماتیک می‌شود. مجموع این فشارها در نهایت، فشارهای تروماتیک را خلق می‌کند که نتیجه‌ی جز، از جا کنده‌ی مکانی/ هویتی برای سیل‌زده‌گان ندارد. در ادامه، به روایت این فشارها در قالب یک خط داستانی منسجم پرداخته می‌شود.



شکل ۲: طرح واره نظری تحقیق

می‌توان جامعه‌ی پژوهشی را همچون فیلمی تراژیک تعریف کرد که تمام بازیگرانش در صحنه‌های متفاوت زندگی، با یک داستانی غمناک تصویر سازی می‌شوند. در صحبت‌های مشارکت کنندگان این تحقیق، فشارهای متفاوتی حس می‌شود که مهمترین آنها در قالب ۳ فشار فوق مطرح شده اند. در **فشارهای تروماتیک**، با فشارهای جسمی و روانی متعددی از جانب شرکت کنندگان رو به رو هستیم. فشارهایی که به نوعی آنها را خسته تر از قبل کرده است و امیدشان را نا امید. در این فشار، بازتولید ذهنیت منفی

شکل می‌گیرد و این بازتولید را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند. فشار بعدی، فشار سیستماتیک است. به دید آنان، این تلنبارشدگی محرومیت‌ها طی سال‌های طولانی، تصویری سیستماتیک و عامدانه‌ای را نشان می‌دهد. در فشارهای ایدئولوژیکی، افراد با موقعیت اجتماعی حساس به طور مثال، بسته بودن فضای انتقاد و موقعیت جغرافیایی دوگانه یعنی، ثروتمند بودن استان اما محرومیت مردم آن از امکانات خدماتی و رفاهی مواجه هستند. مجموع این فشارها، به خلق مفهومی با عنوان «از جا کندگی مکانی / هویتی» منجر می‌شود. بدین صورت که افراد با حجم‌تر شدن این فشارها و تلنبارشدگی آنان، از زمان حال جدا می‌شوند و به تاریخ پر فراز و نشیب خوزستان پرت می‌شوند. تاریخی که خوزستان را همیشه با نوعی محرومیت و محدودیت تعریف می‌کنند.

منابع

- اشتراوس، آنسلم؛ کرین، جولیت (۱۳۹۰). «اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها»، ترجمه بیوک محمدی، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بک، اولریش (۱۳۸۸). «جامعه‌ی در مخاطره جهانی»، ترجمه: محمدرضا مهدی زاده، تهران: نشر کویر.
- کریمی فیروز جایی، محمد، نیسانی سامانی، نجمه (۱۳۹۷). «پهنه‌بندی ریسک‌پذیری سیل با استفاده از روش تصمیم‌گیری چند معیاری مبتنی بر استدلال شهودی دم‌پس‌تر- شافر (مطالعه‌ی موردی: حوضه‌ی آبخیز نکا رود)» نشریه‌ی پژوهش‌های جغرافیایی طبیعی، دوره ۵۰، شماره ۱.
- تریسی، ساراجی (۱۳۹۴). «روش‌های تحقیق کیفی»، ترجمه حسین خنیفر، طاهره منیری شریف، تهران، انتشارات کتاب مهربان.
- جهانگیری، کتابون، استوار ایزد خواه یاسمن، آذین، سید علی و جاروندی، فرزانه (۱۳۸۹). «بررسی میزان مشارکت مردم در مقابله با بلایای طبیعی در استان خوزستان: دیدگاه‌های مسئولین» نشریه‌ی امداد و نجات، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۴.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۴). «جامعه متحول، مخاطره و امنیت نرم»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۲.
- فولادی، محمد (۱۳۹۳). «جایگاه و قلمرو پژوهش کیفی؛ نقد و بررسی»، فصلنامه عیار پژوهش در علوم انسانی، سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). «پیامدهای مدرنیته»، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵). «تجدد و تشخیص»، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). «روش تحقیق کیفی ضد روش: (منطق و طرح در روش شناسی کیفی)»، چاپ دوم، تهران: انتشارات جامعه شناسان، جلد ۱.
- مداری، ابراهیم (۱۳۸۸). «جغرافیای استان خوزستان»، چاپ و نشر کتاب‌های درسی، تهران: چاپ دهم.

- Ferdous MR, Wesselink A, Brandimarte L, Slager K, Zwarteveen M, Di Baldassarre G. (2019). "The Costs of Living with Floods in the Jamuna Floodplain in Bangladesh". *Water*; 11(6).
- Kittipongvises, S., & Mino, T. (2015). "Perception and Communication of Flood Risk: Lessons Learned about Thailand's Flood Crisis of 2011". *Applied Environmental Research*, 37(1), 57-70.
- Tacoli, C. (2009). "Crisis or Adaptation? Migration and Climate Change in a Context of High Mobility". Pp 104-118 in: *Population Dynamics and Climate Change*.
- Valois, P., Caron, M., Gousse-Lessard, AS. et al. (2019). "Development and validation of five behavioral indices of flood adaptation". *BMC Public Health* 19, 245.